



The Impact of Political Factors on the Devaluation of Iranian Currency in the Twelfth Century A.H

Somayeh Khanipour¹ , Fahimeh Shakiba² 

¹ Assistant Professor, Department of Iranology, Faculty of Iranology, Vali-e- Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran. s.khanipour@vru.ac.ir

² Assistant Professor, Department of Iranology, Faculty of Iranology, Vali-e- Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran (**Corresponding author**). f.shakiba@vru.ac.ir

Abstract

One of the significant economic issues of the twelfth century A.H was the devaluation of Iran's currency. The present study aims to examine the political factors contributing to the monetary devaluation of Iran during this period, using a descriptive-analytical method. This inquiry conceptualizes politics as the independent variable and economy as the dependent one, in order to evaluate the degree to which economic decline was influenced by political dynamics. To this end, the monetary developments of Iran in the twelfth century A.H are investigated, with specific attention to the role of political factors during the periods of the Afghan occupation (1135–1142 A.H), the Afsharid dynasty (1148–1210 A.H), and the Zandiyeh dynasty (1173–1209 A.H). The findings of the research indicate that the twelfth century A.H—marked by the fall of the Safavid dynasty and preceding the rise of the Qajar state—was a critical transitional era in Iranian history, characterized by political, economic, and social deterioration. A series of internal and external wars, persistent rebellions, and flawed policies implemented by ruling elites imposed heavy economic and social costs on the country, plunging Iran into a deep crisis. Political instability, the fragmentation of centralized authority, the emergence of competing power centers, excessive taxation, widespread insecurity, looting, and the decline of the economically active population led to widespread recession, economic stagnation, disruption in production and trade (both domestic and foreign), as well as the deterioration of the monetary system and production mechanisms, ultimately resulting in further devaluation of the currency. Another consequence of misguided domestic and foreign policies was the shortage of monetary metals, which compelled the authorities to reduce the purity (fineness) and weight of minted coins in order to meet fiscal demands. Governments facing financial strain frequently adopted such practices as a means of addressing economic shortfalls. However, the deliberate debasement of coinage, which symbolized a reduction in the currency's intrinsic value, led to rampant price increases and widespread inflation. Hence, in determining the domestic value of currency, it is essential to consider the general

Cite this article: Khanipour, S. & Shakiba, F. (2025). The Impact of Political Factors on the Devaluation of Iranian Currency in the Twelfth Century A.H, *History of Islam*, 26(1), p. 223-248. <https://doi.org/10.22081/hiq.2023.60729.2165>

Received: 2024-10-11 ; **Revised:** 2025-01-18 ; **Accepted:** 2025-02-29 ; **Published online:** 2025-04-09

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University



price level: an increase in prices corresponds to a decrease in the currency's value, and vice versa. In conclusion, the study identifies the primary causes of monetary devaluation in twelfth-century Iran—with an emphasis on political factors—as the weakening of the country's economic foundations due to persistent political instability arising from recurrent internal and external conflicts, alongside the debasement of coinage by central authorities.

Keywords: Iranian History, Economic Conditions in Iran, Currency Devaluation, Afghans, Zandiyeh Dynasty, Afsharid Dynasty.

تأثير العوامل السياسية على انخفاض قيمة العملة الإيرانية في القرن الثاني عشر الهجري

سمية خانيپور^۱، فهيمه شكيبا^۲

^۱ أستاذة مساعدة، قسم الدراسات الإيرانية، كلية الدراسات الإيرانية، جامعة ولي عصر (عج)، رفسنجان، رفسنجان، إيران.

s.khanipour@vru.ac.ir

^۲ أستاذة مساعدة، قسم الدراسات الإيرانية، كلية الدراسات الإيرانية، جامعة ولي عصر (عج)، رفسنجان، رفسنجان، إيران (المؤلف المسؤول).

f.shakiba@vru.ac.ir

الملخص

كان انخفاض قيمة العملة الإيرانية من القضايا الاقتصادية المهمة في القرن الثاني عشر الهجري. يهدف هذا البحث إلى دراسة العوامل السياسية المؤثرة على انخفاض قيمة العملة الإيرانية في القرن الثاني عشر الهجري، وذلك باستخدام المنهج الوصفي التفسيري. في هذه المقالة، ومن خلال دراسة متغير السياسة كمتغير مستقل ومتغير الاقتصاد كمتغير تابع، يتم تقييم درجة تأثير كل منهما على الآخر لتوضيح دور العوامل السياسية في انخفاض قيمة العملة الإيرانية في هذه الفترة. لهذا الغرض، وعند دراسة التطورات النقدية في إيران في القرن الثاني عشر الهجري، تم وصف وشرح دور العوامل السياسية المؤثرة في انخفاض قيمة العملة الإيرانية خلال الحكم الأفغاني (١١٣٥-١١٤٢ هـ)، والأفشاري (١١٤٨-١٢١٠ هـ) والزندى (١١٧٣-١٢٠٩ هـ). تشير نتائج البحث إلى أن القرن الثاني عشر الهجري، من سقوط الصفويين إلى صعود سلالة القاجار، مهم في جوانب مختلفة من التاريخ الإيراني، لأنه يمثل فترة من الضعف والانحدار السياسي والاقتصادي والاجتماعي في إيران. خلال هذه الفترة، ونتيجة لحدوث التمردات والحروب الداخلية والخارجية العديدة وسياسات قادة السلطة، فُرضت تكاليف اقتصادية واجتماعية باهظة على البلاد وتسببت في أن يصبح الوضع الاقتصادي للبلاد حرجاً. أدى انعدام الاستقرار السياسي والأمني، وظهور مراكز قوة متعددة، وفرض ضرائب باهظة، وانعدام أمن الطرق، والقتل والنهب، وتراجع عدد السكان النشطين في البلاد إلى ركود وتدهور اقتصادي، وتوقف الإنتاج والتجارة المحلية والأجنبية، واضطراب النظام النقدي والإنتاجي، وانخفاض قيمة النقود. ومن الآثار السلبية الأخرى الناجمة عن السياسات الداخلية والخارجية الخاطئة نقص النقود، مما اضطر الحكومة إلى تقليل نقاء ووزن العملات المعدنية لتغطية نفقاتها. تمكنت معظم الحكومات التي كانت تعاني من صعوبات مالية واحتياج إلى النقود من حل مشاكلها الاقتصادية بهذه الطريقة؛ لكن انخفاض قيمة العملة، الذي أشار إلى انخفاض قيمة العملة خلال هذه الفترة، تسبب في زيادة مفرطة في الأسعار وانتشار التضخم على نطاق واسع. لذلك، عند تحديد القيمة الداخلية للعملة، يجب مراعاة المستوى العام للأسعار؛ وهذا يعني أنه إذا ارتفعت الأسعار، انخفضت قيمة العملة، وإذا انخفضت الأسعار، ارتفعت قيمة

استناداً إلى هذه المقالة: خانيپور، سمية؛ شكيبا، فهيمه (٢٠٢٥). تأثير العوامل السياسية على انخفاض قيمة العملة الإيرانية في القرن الثاني عشر الهجري.

تاريخ الإسلام، ١١٢٦، ص ٢٣٣-٢٣٨. <https://doi.org/10.22081/hiq.2023.60729.2165>

تاريخ الاستلام: 2024/10/11 ؛ تاريخ المراجعة: 2025/01/18 ؛ تاريخ القبول: 2025/02/29 ؛ تاريخ النشر: 2025/04/09

المؤلفون: ©

نوع المقالة: بحثية



<http://hiq.bou.ac.ir>

العملة. بناءً على ما سبق، فإن أهم أسباب انخفاض قيمة العملة الإيرانية في هذا القرن، مع التركيز على دور العوامل السياسية، هو ضعف القوة الاقتصادية للبلاد إثر عدم الاستقرار السياسي الناتج عن اندلاع العديد من الحروب الداخلية والخارجية، وقيام الحكومة المركزية بتخفيض قيمة العملات النقدية.

الكلمات المفتاحية: تاريخ إيران، الوضع الاقتصادي لإيران، انخفاض قيمة العملة، الأفغان، الزندية، الأفشارية.

تأثیر عوامل سیاسی بر کاهش ارزش پول ایران در سده دوازدهم هجری قمری

سمیه خانی‌پور^۱، فهیمه شکبیا^۲

^۱ استادیار، گروه ایران‌شناسی، دانشکده ایران‌شناسی، دانشگاه ولی عصر (عج)، رفسنجان، ایران. s.khanipour@vru.ac.ir

^۲ استادیار، گروه ایران‌شناسی، دانشکده ایران‌شناسی، دانشگاه ولی عصر (عج)، رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول).

f.shakiba@vru.ac.ir

چکیده

یکی از مباحث مهم اقتصادی قرن دوازدهم هجری قمری، کاهش ارزش پول ایران بوده است. هدف این پژوهش، بررسی عوامل سیاسی مؤثر بر روند کاهش ارزش پولی ایران در سده دوازدهم هجری قمری است که با روش وصفی-تبیینی صورت گرفته است. در این نوشتار، با بررسی متغیر سیاست به عنوان متغیر مستقل و اقتصاد به عنوان متغیر وابسته، میزان تأثیرپذیری این دو بر یکدیگر ارزیابی شده تا نقش عوامل سیاسی در کاهش ارزش پول ایران در این دوره روشن گردد. به همین منظور، ضمن بررسی تحولات پولی ایران در قرن دوازدهم قمری، نقش عوامل سیاسی مؤثر بر کاهش ارزش پول ایران در طول حاکمیت افغانه (۱۱۳۵-۱۱۴۲ق)، افشاریه (۱۱۴۸-۱۲۱۰ق) و زندیه (۱۱۷۳-۱۲۰۹ق) تشریح و تبیین شده است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که سده دوازدهم هجری، هم‌زمان با برافتادن صفویه تا روی کار آمدن قاجاریه، از وجوه گوناگون در تاریخ ایران دارای اهمیت است؛ زیرا نشان‌دهنده دوران ناتوانی و انحطاط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران بوده است. در این دوره، در نتیجه وقوع شورش‌ها، جنگ‌های متمادی داخلی و خارجی و خط‌مشی سردمداران قدرت، هزینه‌های سنگین اقتصادی و اجتماعی زیادی بر کشور تحمیل گردید و سبب بحرانی شدن اوضاع اقتصادی کشور شد. نبود ثبات و امنیت سیاسی، پیدایش مراکز متعدد قدرت، اخذ مالیات‌های سنگین، ناامنی راه‌ها، قتل و غارت و کاهش جمعیت فعال کشور، به رکود و انحطاط اقتصادی و توقف تولید و تجارت داخلی و خارجی و اختلال در نظام پولی و تولیدی و کاهش هرچه بیشتر ارزش پول منجر شد. یکی دیگر از تأثیرات منفی متأثر از سیاست‌های غلط داخلی و خارجی، کمبود فلز پول بود که بر اثر آن، حاکمیت مجبور شد برای تأمین هزینه‌ها، میزان عیار و وزن مسکوکات را کاهش دهد. بیشتر حکومت‌هایی که در تنگنای مالی قرار می‌گرفتند و به پول احتیاج داشتند، با این روش می‌توانستند مشکلات اقتصادی خود را حل کنند؛ اما تنزل عیار که نشان‌دهنده کاهش ارزش پول در این دوره بود، باعث افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و تورم فراگیر شد. از این‌رو، در تعیین ارزش داخلی پول، سطح عمومی قیمت‌ها را باید در نظر گرفت؛ بدین معنا که اگر قیمت‌ها بالا رود، ارزش پول پایین می‌آید و اگر قیمت‌ها تنزل کند، ارزش پول بالا می‌رود. بر پایه آنچه گفته شد، مهم‌ترین علل کاهش ارزش پولی ایران در این قرن، با تأکید بر نقش

استاد به این مقاله: خانی‌پور، سمیه؛ شکبیا، فهیمه (۱۴۰۴). تأثیر عوامل سیاسی بر کاهش ارزش پول ایران در سده دوازدهم هجری قمری. *تاریخ اسلام*.

ص ۲۲۳-۲۴۸. <https://doi.org/10.22081/hiq.2023.60729.2165>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

نشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



عوامل سیاسی، عبارت‌اند از تضعیف‌شدن بنیه اقتصادی کشور در پی بی‌ثباتی سیاسی ناشی از بروز جنگ‌های زیاد داخلی و خارجی و تنزل عیار مسکوکات پول توسط حاکمیت مرکزی.

کلیدواژه‌ها: تاریخ ایران، اوضاع اقتصادی ایران، کاهش ارزش پول، افغانه، زندیه، افشاریه.

۱. مقدمه

پول، یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در زندگی بشر بوده و در طول تاریخ، تحولات بزرگی را در همه زمینه‌ها، به‌ویژه معاملات سیاسی و مهم‌تر از همه، در عرصه اقتصاد کشورها، ایجاد کرده است.^۱ در سده دوازدهم، مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، طبیعی و خارجی در کاهش ارزش پول ایران نقش داشته‌اند. از یک‌سو، بحث دخالت حکومت‌ها و ضرابخانه‌های دولتی در کاهش عیار پول مطرح بوده است. از سوی دیگر، رفتار حکومتگران در جنگ‌افروزی و فشار بر تولیدکنندگان و مردم در اخذ مالیات‌های سنگین، در کنار عواملی چون: احتکار، خشکسالی، قحطی، خرابی و ناامنی راه‌های تجاری و کاروانی و افزایش قیمت کالاهای حیاتی، بر عامل قدرت خرید پول ایران مؤثر بوده است. هدف اصلی این پژوهش، توجه بر نقش عوامل سیاسی مؤثر بر کاهش ارزش پول ایران در سده دوازدهم هجری است. از آنجا که بخش عمده‌ای از معضلات پولی ایران سده دوازدهم، ادامه مشکلات نظام پولی ایران عصر صفوی بود و حکومت‌های سه‌گانه این سده وارث رکود و کاهش ارزش پولی اواخر صفوی بودند، در این جستار، نخست تلاش بر این است که وضعیت پولی ایران عصر صفوی (۹۰۷-۱۱۳۵ق) مطالعه گردد و سپس، تحولات پولی ایران و نظام‌های پولی ایران پس‌اصفوی تا پایان دوره زندیه (۱۱۷۳-۱۲۰۹ق) بررسی شود و در پایان، نقش عوامل سیاسی مؤثر بر کاهش ارزش پول ایران در طول حاکمیت افغانه (۱۱۳۵-۱۱۴۲ق)، افشاریه (۱۱۴۸-۱۲۱۰ق) و زندیه مطرح گردد.

کوشش‌های تحقیقی متعددی درباره اوضاع اقتصادی و پولی ایران در سده دوازدهم هجری تألیف شده است؛ برای نمونه، به این آثار می‌توان اشاره کرد:

«ایران در بحران» و «تاریخ پولی ایران» از رودی متی،^۲ «تاریخ مالی ایران در روزگار صفویان و قاجاریان» و «اختلاف تجارتي ایران و هلند و بازرگانی هلند در عصر افشاریان و زندیان ۱۷۱۵-۱۷۱۲» از ویلم فلور^۳ و «تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه» از رضا شعبانی.

در منابع مزبور عمدتاً به‌صورت کلی، به جنبه‌ای خاص از موضوع پرداخته شده است؛ برای نمونه، ویلم فلور به سبب دسترسی‌اش به بایگانی‌های غنی اسناد کمپانی هند شرقی هلند، به سیاست‌های مالی

۱. زندی حقیقی، پول و بانک، ص ۱۹-۲۲.

2. Rudolph P. Matthee.

ایران‌شناس و استاد برجسته تاریخ در گروه تاریخ دانشگاه دلاور است و به‌ویژه درباره مسائل خاورمیانه و تاریخ معاصر ایران تخصص دارد.

3. Willem Floor.

ایران‌شناس معروف هلندی که پژوهش‌های زیادی در زمینه‌های گوناگون مربوط به تاریخ ایران و خلیج فارس منتشر کرده است.

و نظام‌های مالی رایج در ایران از دوره صفویه تا قاجاریه توجه داشته است. همچنین، رودی متی به مانند فلور، با دسترسی به اسناد هلند، با رویکردی مقایسه‌ای، اوضاع پولی ایران دوره معاصر را با عثمانی بررسی کرده است؛ اما در پژوهش پیش رو، سعی شده با توجه به اهمیت و ضرورت نقش عوامل سیاسی بر روند کاهش ارزش پولی ایران در این دوره، و نبود پژوهشی مستقل در این زمینه، به تکمیل این حوزه مطالعاتی کمک شود. روش تحقیق در نوشتار حاضر، توصیفی و تبیینی است. در اینجا، با بررسی دو متغیر سیاست و ارزش پول در دوره مزبور، میزان تأثیرپذیری این دو بر یکدیگر سنجیده شده و نتایج ارزنده‌ای در خصوص مشکلات و نارسایی‌ها، و همچنین، کارآمدی یا ناکارآمدی نظام‌های سیاسی این دوره به دست آمده است.

۲. وضعیت پولی ایران عصر صفوی

۱-۲. پول ایران در دوره صفوی

حکومت صفوی در آغاز قرن دهم هجری قمری در ایران به قدرت رسید و با ایجاد وحدت سیاسی و مذهبی، تحولات اجتماعی و اقتصادی مهمی را در این سرزمین سبب شد. در اقتصاد عصر صفوی، به‌ویژه اقتصاد شهری و تجارت داخلی و خارجی، پول نقش اساسی و واسطه‌ای داشت. در اقتصاد شهری، مرکز عمده گردش پول، بازار بود. سکه‌های صفوی به واسطه تجارت ایرانی در خارج ایران، مانند وان^۱ و ارزروم^۲ رایج بود. به علاوه، تجارت و سفر پول‌های خارجی مانند: پیاستر^۳، ریال اسپانیایی، دوکات^۴ و نیزی و غیره را نیز وارد ایران می‌کردند.^۵ در دوره صفوی، نظام پولی ایران، «سه فلزی» بود؛ یعنی هم‌زمان سکه‌های طلا و نقره و مس در گردش بودند. عمده‌ترین سکه‌ای که در این دوره ضرب شده و در مبادلات تجاری استفاده گردیده، درهم (نقره) بوده است. چهار نوع سکه نقره: عباسی، محمدی، شاهی و بیستی رایج بود. مسکوک سیاه را «غازیکه» می‌گفتند. تمام این مسکوکات نقره، مدور بودند؛ به استثنای بیستی که بیضی شکل بود.^۶ تومان هم واحد دیگری بود که البته صورت خارجی نداشت و واحد محاسباتی بود.

1. Van.

وان، یکی از شهرهای تاریخی ترکیه است.

2. Erzîrom.

ارزروم، یکی از شهرهای مهم ترکیه است.

۳. پیاستر یا غروش، پول عثمانی است و ارزش آن، متفاوت است.

۴. دوکا/ دوکات سکه‌ای، از طلا یا نقره بوده که در چندین کشور اروپایی ضرب شده است.

۵. آقاجری و قشقایی‌نژاد، «کاهش ارزش پول در اقتصاد عصر صفوی و عوامل مؤثر بر آن»، *تاریخ اسلام و ایران*، سال

بیست و سوم، ش ۱۸، ص ۱-۲.

۶. تاورنیه، *سفرنامه تاورنیه*، ص ۱۳۶-۱۳۷.

در سواحل خلیج فارس نیز سکه‌ای به نام «لاری» رواج داشت که از نقره خالص ساخته می‌شد و معادل دوونیم شاهی بود.^۱ سکه طلا که «اشرفی»^۲ نامیده می‌شد، بیشتر برای مناسبت‌های ویژه، یادبودها و پیشکشی‌ها و گاه برای اهداف اقتصادی ضرب می‌شد و وزن و عیار ثابتی نداشت. سکه مسی نیز رایج بود؛ اما فقط مصارف محلی داشت و در معاملات کوچک به کار می‌رفت.^۳ خلاف سکه‌های طلا و نقره که ضرب آنها در انحصار دربار بود، سکه‌های فلوس^۴ مسی را حکام ایالات ضرب می‌کردند.^۵

۲-۲. شیوه تأمین فلز پول در دوره صفوی

زمان صفویه، بیشترین پول را از سکه و شمش می‌ساختند که از ممالک اروپا وارد می‌کردند.^۶ واردات نقره و درجه کمی طلا از آمریکای لاتین به اسپانیا که در سده شانزدهم آغاز شد و تا سده هفدهم ادامه یافت، سبب شد این دو فلز در سراسر اروپا پخش شود. سپس، ناوگان انگلیسی هند آن را به آسیا وارد کرد. در این میان، ورود این فلز به اقتصاد ایران، از دو طریق صورت گرفت: از یک سو، این مسکوکات با صادر کردن ابریشم و ادویه از ایران به اروپا می‌آمد و از سوی دیگر، شرکت‌های عثمانی و اروپایی با کشتی‌های بارگیری شده شمش و فلزات گران‌بها، این فلزات را وارد ایران می‌کردند. اگرچه از قرن هفدهم به بعد، دولت عثمانی مهم‌ترین منبع بی‌واسطه صادرات شمش به ایران بود، روسیه نیز بخشی از این فلز گران‌بها را وارد ایران می‌کرد.^۷ این گردش پولی در ایران عصر صفوی، آشکارا نشان از کمبود نقره در مبادلات ایران داشت. مهم‌ترین عوامل مؤثر در کمبود عمده‌ترین فلز مبادلات تجاری، به شرح زیر بود:

*** عوامل خارجی مؤثر در کمبود نقره:** در حقیقت، هرگونه کشمکش سیاسی و نظامی در اروپا و آمریکا می‌توانست جریان ورود طلا و نقره را به ایران تحت تأثیر قرار دهد و مانعی بزرگ در این راستا ایجاد کند؛^۸

۱. بی‌نام، «پول (بخش پنجم): پول ایران در دوره صفویه و افشاریه»، *بانک و اقتصاد*، ش ۸، ص ۳۰-۳۱؛ شوستر والسر، *ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان*، ص ۵۰.

۲. درباره تاریخچه پیدایش اشرفی و وجه تسمیه آن، عقیده بر این است که اشرفی را الاشرف سیف‌الدین بایبرس، مملوک مصر، به نام خویش رایج کرد و در سال‌های ۸۰۹-۸۲۵ ق در ایران نیز به کار رفت (فرح‌بخش، *راهنمای سکه‌های ضربی...*، ص ۶).

۳. متی، *ایران در بحران*، ص ۹۰-۹۱.

۴. سکه مسی دوره صفوی و پساصفوی که وزن آن در نواحی مختلف، بسیار متفاوت و بین ۱/۷۵ و ۱۷/۲ گرم بوده است.

۵. دوسرسو، *سقوط سلطان حسین*، ص ۴۶.

۶. بی‌نام، «پول: انواع اسکناس (۸)»، *بانک و اقتصاد*، ش ۱۱، ص ۳۱.

۷. متی، «تجارت طلا در اواخر عصر صفوی بین ونیز و سورات»، *حسن زندگی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۶۸ و ۶۹، ص ۱۰۸-۱۱۰.

۸. متی، *ایران در بحران*، ص ۹۳.

برای نمونه، کشمکش‌هایی نظیر جنگ‌های جانشینی اسپانیا (۱۱۱۴-۱۱۲۵ق/۱۷۰۲-۱۷۱۳م) باعث کم‌شدن ارسال طلا و نقره از آمریکا شد. در نتیجه، حجم واردات نقره از غرب به عثمانی، کاهش یافت. همچنین، شایعه جنگ قریب‌الوقوع میان ایران و عثمانی، راهزنی کاروان‌ها و نابسامانی اوضاع سیاسی و اقتصادی در ایران، سبب شد تجار عثمانی از مسافرت به ایران خودداری کنند. این عوامل، میزان فراوانی و قیمت نقره را در ایران تحت تأثیر خود قرار می‌داد.^۱

*** عوامل داخلی مؤثر در کمبود نقره:** شاهان صفوی برای جبران کمبود فلزات ارزشمند، مجموعه‌ای از سیاست‌های داخلی را در ایران به‌کار گرفتند؛ تا بلکه بتوانند تراز مالی ایران در برابر تجارت خارجی را حفظ کنند و مانع کاهش فزاینده ارزش پول شوند. این سیاست‌ها، به‌ویژه از زمان جلوس شاه سلیمان (۱۰۵۷-۱۱۰۵ق) بر مسند شاهی نمایان شد. دولت در سال ۱۰۸۲ق/۱۶۷۲م کارمزد نیم‌درصد را بر تمام صادرات نقره، تحمیل و صادرات دوکات‌های نقره را ممنوع کرد. این حد و حصرها به‌گونه تناقض‌آمیزی جذابیت واردات نقره را به کشور کاهش داد. در نتیجه، نقره به‌شدت کمیاب شد. این اقدامات، تأثیر دوگانه‌ای در پی داشت: از یک‌سو، باعث شد واردات نقره به ایران از شمال غرب کاهش یابد و از سوی دیگر، نقش کشور را به‌عنوان منبعی برای تهیه نقره شبه‌قاره هند، افزایش دهد.^۲ در حقیقت، هلند و هندوستان، مهم‌ترین مراکزی بودند که پول نقد ایران را جذب می‌کردند. هلندی‌ها با فروش ادویه، با تجارت آسیایی، پول نقد ایران را به‌دست می‌آوردند.^۳ در این میان، وام‌دهندگان هندی و تاجران ارمنی، بهترین سکه‌ها را از کشور خارج کردند یا از دور گردش کنار نهادند و بدترین پول‌ها را در بازار به جریان انداختند. بدین ترتیب، پول در گردش، با کاهش ارزش داخلی روبه‌رو شد. حاصل این کار، یک اقتصاد کم‌پول بود که تجارت را در مجموع، محدود می‌کرد.^۴ انباشته کردن پول کشور در خزانه دولت و نبود سرمایه‌گذاری و گردش آن، دلیل دیگر کمبود پول بود.^۵ این موضوع، مانع جریان پول در شریان‌های اقتصادی کشور و سبب ایجاد بحران کم‌پولی در بازار می‌شد که یکی از عوامل رکود تجاری کشور در اواخر دوره صفویه را شکل می‌داد.^۶

۱. متی، «تاریخ اقتصادی: ادغام ضرابخانه‌ها و افول کیفی مسکوکات اواخر دوره صفویه»، بررسی‌های نوین تاریخی، ترجمه حسن زندیه، ش ۲، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۲۵.

۳. فوران، مقاومت شکننده، ص ۱۱۴.

۴. همان، ص ۱۱۷.

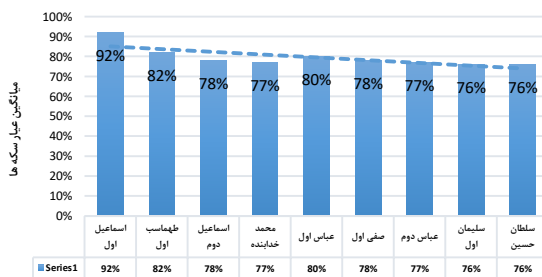
۵. ر.ک: شاردن، سفرنامه شاردن، جلد سوم، ۱۲۶۸؛ مستوفی، زبدة التواریخ، ص ۱۳۷؛ سلطانیان، «روابط بازرگانی ایران و هند در دوره صفویه»، تاریخ روابط خارجی، ش ۴۰، ص ۷۵.

۶. میرجعفری و دیگران، «پیامدهای سیاست خاصه‌سازی در دوره صفویه»، دانشکده ادبیات و علوم/انسانی دانشگاه اصفهان، ش ۴۴ و ۴۵، ص ۹.

۲-۳. عوامل مؤثر بر کاهش ارزش پول در دوره صفوی

۲-۳-۱. تنزل میزان عیار مسکوکات

پادشاهان صفوی، بارها به تقلیل عیار و وزن مسکوکات متوسل شدند. این سیاست، تقریباً در همه جنگ‌ها به کار برده شده است.^۱ با توجه به اینکه ضرب سکه، اغلب از حقوق سلطنتی بود، در بسیاری از موارد حکومت‌ها از این حق استفاده می‌کردند؛ بدین معنا که بدون پایین آوردن ارزش اسمی سکه، از عیار و وزن مسکوکات می‌کاستند. بیشتر حکومت‌هایی که در تگنای مالی قرار می‌گرفتند و به پول احتیاج داشتند، با این روش می‌توانستند مشکلات اقتصادی خود را حل کنند؛ اما نتیجه، کاسته شدن ارزش پول بود. به دنبال این امر، مسکوکاتی که ارزش واقعی میزان عیار آنها بیشتر بود، از جریان خارج و اندوخته می‌شد و مسکوکات ارزان قیمت با عیار پایین، جای آنها را می‌گرفت؛^۲ چنان‌که در زمان شاه عباس، وزن عباسی نقره ۸/۴۳ گرم و ارزش تومان معادل با ۵۰ عباسی و برابر سه لیره و هفت شلینگ انگلیسی بود. زمان شاه سلیمان، با کاهش وزن سکه‌های نقره، ارزش تومان به دو لیره و شش شلینگ، و زمان شاه سلطان حسین، به دو لیره و چهار شلینگ تنزل یافت.^۳ از سویی، عیارگیری ۱۵۲ سکه نقره شاهان صفوی، نشان می‌دهد که اوایل حکومت صفوی، سکه‌های نقره، با عیار بالا ضرب می‌شد و این روند، کم‌وبیش تا زمان شاه عباس اول ادامه داشت. هر چه از دوره شاه عباس به اواخر صفوی نزدیک می‌شویم، شاهد کاهش میزان عیار مسکوکات نقره شاهان صفوی هستیم.^۴

نمودار ۱- روند کاهش میزان عیار مسکوکات نقره در دوره صفویه^۵

۱. قبادی و رئیس‌دانا، پول و تورم، ص ۵۶.

۲. گاردل، پول و مبادله، ص ۲۷-۲۸.

۳. مدنی، پول برای همه، ص ۸۲؛ بهمن پور و مشیری، اقتصاد پول و بانکداری، ص ۲۰.

۴. آقاجری و قشقایی‌نژاد، «کاهش ارزش پول در اقتصاد عصر صفوی و عوامل مؤثر بر آن»، تاریخ اسلام و ایران، ش ۱۸،

ص ۱۳۱-۱۳۳.

۵. همان، ص ۱۳۲.

بنابراین، در طول مدت ۲۲۰ سالی که سلاطین صفویه در ایران سلطنت کردند، ارزش پول ایران مدام در حال تنزل بود. در این دوره، واحد رسمی پول، یعنی تومان که ده هزار دینار بود، از ۴۰۰ مثقال نقره در زمان شاه اسماعیل، به ۵۰ مثقال نقره در زمان شاه سلطان حسین کاهش یافت.^۱

۲-۳-۲. حجم زیاد پول

میزان حجم پول در جریان کشور، تأثیرات مهمی بر نتیجه فعالیت‌های اقتصادی به‌جای می‌گذارد؛ زیرا از یک سو، کمبود پول ممکن است رشد اقتصادی را مختل کند و باعث رکود و بیکاری شود و از سوی دیگر، افزایش بی‌رویه پول در جریان نیز موجب تورم و اختلال در نظام پولی و تولیدی گردد؛ چنان‌که در دوره صفوی، ضرب زیاد سکه و زیاد شدن پول در گردش، تورم و سختی معیشت مردم را سبب شد. هر چه به سقوط صفویان نزدیک‌تر می‌شویم، قیمت اجناس بالاتر می‌رود و ارزش پول تنزل می‌یابد.^۲

۳. تاریخ وضعیت پولی ایران پس‌اصفوی (دوره افغانه (۱۱۳۵-۱۱۴۲ق))

افزایش بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیکی در جامعه ایران اواخر صفوی، به سقوط دولت صفوی در سال ۱۱۳۵ق/۱۷۲۲م توسط افغان‌های غلزایی انجامید؛^۳ اما حاکمیت کوتاه افغانه نیز پیامدهای منفی فراوانی از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و روابط خارجی برای ایران به دنبال داشت.^۴ شاخصه‌های عمده این دوره، نظیر: طوفان‌های فزاینده سیاسی، عسبان و نافرمانی حاکمان محلی و مأموران دولتی، قبیله‌گرایی، درگیری‌های درون دودمانی و اشغال بخشی از کشور توسط روسیه و عثمانی، جامعه ایران را با آسیب‌های فراوان اجتماعی و رکود شدید حیات اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو کرد. در این شرایط، عدم امنیت و بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی راه‌ها و قتل و غارت باعث شد که تجارت از رونق بیفتد و کشاورزی نابود شود و مزارع ویران گردد و قنات‌ها خشک شده، شهرها خراب شوند. با قتل‌عام‌های گوناگون، قحطی و بروز بیماری‌های همه‌گیر، جمعیت ایران کاهش یافت و آسایش و امنیت مردم از بین رفت.^۵ این شرایط، منجر به اختلال در نظام پولی و تولیدی و کاهش هرچه بیشتر ارزش پول شد. در نامه فیلیپ ماری^۶ کارملیتی^۷ از اصفهان مورخ ۱۷۲۵/۵/۸ شرایط مذکور این‌گونه بیان شده است:

۱. بی‌نام، «پول (بخش پنجم): پول ایران در دوره صفویه و افشاریه»، بانک و اقتصاد، ش ۸، ص ۳۳.

2. A chronicle of the Carmelites in Persia, 1: p.586.

3. Foran, *The Long Fall of the Safavid Dynasty*, p.281.

۴. فوران، مقاومت شکننده، ص ۱۲۶.

۵. شعبانی و محمدی، «تأثیر حمله محمود افغان بر اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران»، مسکو، ش ۹، ص ۲۰۴.

6. Philip Marie.

۷. از روحانیان فرقه کارملیت‌های ساکن اصفهان در دوره صفوی بود.

«می‌خواهم به شما بگویم در وضعیت بسیار بد و پریشانی هستیم. نمی‌دانیم برای به‌دست آوردن پول به منظور تأمین مخارج معمولی‌مان کجا مراجعه کنیم. اینجا خواربار در نهایت کمیابی و گرانی است... من مجبورم چنان‌که فرصت مناسب پیدا کنم، برای به‌دست آوردن مقداری پول به بندر عباس بروم...»^۱

در این دوره مانند قبل، ساختار تورمی اقتصاد ایران، از نوع تورم تاریخی یا عارضه‌ای^۲ است. تورم ناشی از علل غیراقتصادی نظیر جنگ و عوامل غیرمنتظره طبیعی از قبیل: خشکسالی، سیل و زلزله را اصطلاحاً تورم تاریخی یا عارضه‌ای می‌نامند. به‌طور کلی در گذشته، موضوع آماده‌کردن کشور برای جنگ و تأمین مخارج هدایت و ادامه جنگ یا هزینه‌هایی که بعداً برای ترمیم خسارات و ویرانی‌های ناشی از آن ضرورت داشته، عامل اصلی هرج و مرج‌های پولی و علت عمده بروز تورم بوده است.^۳ نرخ تورم در دوران حاکمیت محمود افغان (۱۱۳۵-۱۱۳۷ق)، روند صعودی داشت و این امر، حاکی از کاهش بیشتر ارزش پول در این دوره بود. در این زمان، قیمت خواربار در اصفهان به شرح زیر بود: نان هر من ۶۰۰ دینار، برنج هر من ۱۲۰۰ دینار، روغن هر من ۴۰۰۰ دینار، مرغ هر عدد ۷۰۰ دینار، قند هر من ۶۰۰۰ دینار.^۴

از این رو، در تعیین ارزش داخلی پول، سطح عمومی قیمت‌ها را باید در نظر گرفت؛ زیرا ارزش پول با سطح عمومی قیمت‌ها ارتباط معکوس دارد؛ به عبارت دیگر، اگر قیمت‌ها بالا رود، ارزش پول پایین می‌آید و اگر قیمت‌ها تنزل کند، ارزش پول بالا می‌رود.^۵

۴. سیستم پولی ایران در دوره افغان‌ها

افغان‌ها سیاست پولی صفویان را ادامه دادند. آنان وزن و عیار قبلی سکه‌ها را حفظ کردند.^۶ در این دوره، سکه‌های صفوی همچنان استفاده می‌شد. محمود افغان نخست به ضرب سکه‌های نقره ۴/۶۱ گرمی عباسی ادامه داد.^۷

جدول ۱- وزن سکه‌های نقره اوایل سلطنت محمود بر اساس یک تومان ۱۲۰۰ نخود یا پنجاه مثقال

ردیف	سکه	جنس	حبه	نخود	وزن (گرم)
۱	عباسی (دینار ۴/۲۰۰ شاهی)	نقره	۷۱,۴	۲۴	۴۶۰
۲	پنج شاهی (۲۵۰ دینار)	نقره	۸۸,۸	۳۰	۵,۷۶
۳	ده شاهی (۵۰۰ دینار)	نقره	۱۷۷,۶	۶۰	۱۱,۵۲

1. A chronicle of the Carmelites in Persia: 1: p.586.

2. Historical Inflation.

۳. کتابی، تورم، ص ۱۵، ۴۵ و ۷۶.

۴. گیلائنز، سقوط اصفهان، ص ۱۰۵.

۵. خوشنویس، «سیاست یکسان‌سازی ارز و اثرات آن در اقتصاد ایران»، تازه‌های اقتصاد، ش ۸۲، ص ۱۱.

6. Matthee et al., Monetary history of Iran from the Safavids to the Qajars, p.139.

۷. فرح‌بخش، راهنمای سکه‌های ضربی...، ص ۵۵.

اما در رمضان ۱۱۳۵ق/ژوئن ۱۷۲۳م سکه‌های زیر ضرب شد.^۱

جدول ۲- وزن سکه‌های نقره محمود در رمضان ۱۱۳۵ق/ژوئن ۱۷۲۳م

ردیف	سکه	جنس	حبه	نخود	وزن (گرم)
۱	پنج شاهی (۲۵۰ دینار)	نقره	۱۱۲,۴۸	۳۸	۷,۲۹
۲	ده شاهی (۵۰۰ دینار)	نقره	۲۲۴,۹۶	۷۶	۱۴,۵۹

این امر نشان می‌دهد که عباسی، ۴ شاهی معیار معمول بود؛ اما عباسی جدید، رسمی، ۵ شاهی ارزش داشت. درواقع، اصلاح محمود عبارت از افزودن بر وزن عباسی تا $9\frac{1}{2}$ دانگ، یعنی $\frac{19}{12}$ مثقال برابر با ترقی ارزش عباسی به پنج شاهی مساوی با ۲۵۰ دینار بود. طبق متن تذکره الملوك سکه‌های پنج‌شاهی چنان محبوب شدند که به سبب وزن زیادتر، تقریباً در شهرهای دوردست نیز به کار می‌رفتند. نویسنده می‌افزاید: «اگر سکه‌ها با این وزن ضرب می‌شد، جعل سکه سودی نداشت».^۲

ولی با اوضاع و احوال زمان جنگ و ویرانی عمومی، این اصلاح نمی‌توانست نتایج قطعی به بار آورد. ضرب مسکوک کم‌عیار و کمبود عمومی آذوقه که معلول انحطاط کشاورزی بود، موجب کاهش شدید بهای واقعی پول شد؛ به طوری که ارزش پول، در مقایسه با اواخر قرن هفدهم میلادی، به $\frac{1}{10}$ یا $\frac{1}{12}$ و در بعضی نقاط به کمتر از آن تقلیل یافت.^۳ به علاوه، محمود سکه‌های طلای موسوم به اشرفی (۳/۴۵ گرم) ضرب می‌کرد. محلّ ضرب سکه‌های نقره در اصفهان، قندهار و مشهد، و محلّ ضرب سکه‌های طلا در اصفهان بوده است.^۴ روشن است که در آشفته‌بازار عهد استیلای افغانه بر ایران، باز هم از وزن و عیار تومان ایران کاسته شد و یکصد سال و اندی پس از مرگ شاه عباس، وزن عباسی نقره از ۱۳۰ گندم (۶/۲ گرم) به ۷۲ گندم کاهش یافت. بنابراین، هر تومان ایران معادل یک لیره و ۱۸ شلینگ شد (هر لیره معادل ۲۰ شلینگ)؛ یعنی هر تومان تقریباً با ارزش ۲ لیره برابر بود.^۵ بدین ترتیب، ارزش پول ایران تنزل زیادی کرد و واحد رسمی پول، یعنی تومان، از ۴۰۰ مثقال نقره در زمان شاه اسماعیل، به ۵۰ مثقال نقره در زمان شاه سلطان حسین و محمود افغان کاهش یافت.^۶

۵. آخرین صفویان (۱۱۳۵-۱۱۴۸ق)

پس از اخراج افغان‌ها و ورود تهماسب دوم به اصفهان در ۱۷۲۹م/۱۱۴۲ق، سکه‌های نقره عباسی (۵/۳۴)

۱. همان.

۲. مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی با تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوك، ص ۱۱۵-۱۱۶.

۳. کتابی، تورم، ص ۱۲۹.

۴. فرح‌بخش، راهنمای سکه‌های ضربی...، ص ۵۶.

۵. پورشافعی، اقتصاد کوچک، ص ۶۳.

۶. بی‌نام، «پول (بخش پنجم): پول ایران در دوره صفویه و افشاریه»، بانک و اقتصاد، ش ۸، ص ۳۱-۳۳.

گرم)، دو شاهی (۲/۶۸ گرم) و شاهی (۱/۳۴ گرم) بر اساس معیار ۱۴۰۰ نخود ۱۹۲ میلی گرم هر تومان ۲۰۰ شاهی یا ۵۰ عباسی، و همچنین پول مسی ضرب می شد. اشرافی های طلا ۳/۴۶ گرمی ضرب می شد؛ هرچند مانند دوره پیش از افغان ها، سکه های طلای صفوی چندان در گردش نبود. بلافاصله، پس از شکست و اخراج افغان ها از ایران، کمبود پول محسوس شد. بر اساس منبع هلندی در اکتبر ۱۷۳۰م/۱۱۴۲ق، بخشی از این وضعیت به سبب شرایط جنگی و اشغالی ایران توسط قوای بیگانه (عثمانی و روسیه) به وجود آمده بود.^۱ از سویی، دولت ها نیاز به درآمد داشتند و از دستکاری پول برای این منظور استفاده می کردند یا پول نقد فراوانی را عمدتاً از بازرگانان و اقلیت ها طلب می نمودند؛ چراکه عرضه پول برای ادامه حیات تجاری طبیعی، ناکافی بود.^۲ اقدام تاریخی دیگر برای افزایش درآمد، وضع مالیات بر صادرات پول بود. در سال ۱۱۴۵ق، تهماسب قلی خان مقرر کرد صادرات [اروپایی] مسکوکات طلا، تنها با پرداخت عوارض پنج درصدی باید به صورت سفید، یعنی پول نقره ای پرداخت می شد. مسکوکات طلا باید اعلام و در کیسه هایی صادر می شد که بازرسی شود و سپس، عامل معیرباشی آن را مهر و موم کند.^۳ تداوم این شرایط از یک سو، اوضاع کشور را بحرانی تر کرد؛ به گونه ای که بیشتر مناطق جنگ زده و به ویژه شهرهای غربی و مرکزی نظیر: تبریز، قزوین، اصفهان، شیراز و یزد، دستخوش ویرانی بیشتر شدند و کاهش شدید جمعیت، فقر و تنگدستی مردم این مناطق را به دنبال داشت. از سوی دیگر، کاهش قدرت خرید روستاییان و شهرنشینان در این شرایط، باعث سقوط بازرگانی و صنعت داخلی شد. هم زمان با این مسائل، رواج راهزنی در راه های کاروان رو و فقدان امنیت برای بازرگانان خارجی، سبب وقفه کامل در تجارت خارجی شد.^۴

۶. دوره افشاریه (۱۱۴۸-۱۱۶۴ق)

در آشفته گی سیاسی ایران، نادر افشار سردار و فاتح نظامی، افغانه را از ایران اخراج کرد، ترک ها و روس ها را از مرزهای ایران عقب راند و پس از چندی، در ۲۴ شوال ۱۱۴۸ق، تاجگذاری کرد و پادشاه ایران شد.^۵ شاخص بارز ایران عصر افشاری، افزایش مالیات و تورم فراگیر بود که کاهش ارزش پولی کشور را همچون گذشته در پی داشت. این امر، ناشی از سیاست های نظامی گری نادرشاه بود. در حکومت های میلیتاریستی، اولین و ضروری ترین کار، نگهداری سپاهیان است و اگر نظام اقتصادی چنین اجازه ای را

1. Matthee et al., *Monetary history of Iran from the Safavids to the Qajars*, p.143.

2. Floor, *A Fiscal History of Iran in the Safavids and Qajar periods 1500-1925*, p.234.

3. Matthee et al., *Monetary history of Iran from the Safavids to the Qajars*, p.145.

۴. پیگولوسکایا و دیگران، *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم*، ص ۵۹۸.

۵. ریاض الاسلام، *تاریخ روابط ایران و هند*، ص ۲۱۷ و ۲۷۵-۲۷۶.

ندهد، راه حلّ بعدی، غارت کشور خود و کشورهای مجاور است.^۱ از این رو، سلطنت نادر به کشورگشایی و جنگ‌های توأم با نهب و غارت همراه شد. تأمین مالی لشکرکشی‌های دائمی او، از محلّ مالیات‌های گزاف و باج‌های سنگین بود.^۲ این امر، کمبود آذوقه، افزایش قیمت و کاهش ارزش پول را در پی داشت؛ چنان‌که در آغاز حکومت نادر، گندم و جو بسیار کمیاب و گران بود و یک من غله در تبریز، ۹۰۰ دینار قیمت داشت.^۳ بنابراین، فتوحات نادر آثار منهدم‌کننده‌ای بر اقتصاد ایران گذاشت؛ زیرا بخش مهمی از مازاد و بخش قابل توجهی از نیروی کار، در لشکرکشی‌ها به هدر رفت. غنایم جنگی، در کلات نادری دفینه شد. تولیدکنندگان مستقیم و دیگر اقشاری که سهمی در تولید و حتی توزیع داشتند، با مالیات‌های بی‌قاعده و مکرر، به فقر و فلاکت افتاده و از هستی ساقط شدند.^۴ این امر، یکی از عوامل مهم در رکود حیات اقتصادی ایران، به‌ویژه در عرصه نظام پولی بود.

۷. نظام پولی در دوره افشاریه

نادرشاه افشار وقتی به سلطنت رسید، نقود ایران را اصلاح و بر وزن آنها افزود. علاوه بر سکه‌های زمان صفویه، نادرشاه بعد از جلوس، به جای سکه «شاهی» معمول در دوره صفوی، اقدام به ضرب سکه نقره «نادری» کرد که مانند شاهی، برابر ۵۰۰ دینار یا یک‌بیستم تومان بود و دوونیم مثقال وزن داشت. بعد از فتح هند، نوعی سکه طلا ضرب کرد که «اشرفی نادری» یا «مهر^۵ اشرفی نادری» نامیده می‌شد و صد نادری یا پنج تومان ارزش داشته است.^۶ در این دوره نیز مسکوکات نقره بر پایه واحد حساب گذشته ضرب می‌شد.^۷ از سویی، مانند همیشه فقدان شمش نیز باعث کاهش درآمد پولی می‌شد. بنابراین نادرشاه بار دیگر تصمیم گرفت که پول نقد را از مردم بگیرد.^۸ لذا در ۱۱۴۹ ق نادر ۱۲۰ هزار تومان درخواست کرد. همچنین در این سال، بنا به درخواست تازه‌ای مبلغ ۱۲ هزار تومان مالیات بر اصفهان بسته شد.^۹ افزون بر این، نادرشاه برای پُرکردن خزانه‌های خالی، به پشتوانه پولی بیشتری نیاز داشت.

۱. رضاقلی، جامعه‌شناسی خودکامگی، ص ۴۲.

۲. لمبتون، مالک و زارع در ایران، ص ۲۵۶.

۳. گاتوخی گوس، منتخباتی از یادداشت‌های آبراهام گاتوخی گوس خلیفه ارامنه، ص ۸۷.

۴. سیف، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، ص ۵۷.

۵. تعبیر کهن از سکه.

۶. شاهزاده نادر میرزا، تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، ص ۵۹۲-۵۹۳؛ قائم مقامی، «تاریخ پیدایش پول در ایران (۴)»،

ارمغان، ش ۹، ص ۴۲۹.

7. Matthee et al., *Monetary history of Iran from the Safavids to the Qajars*, p.145.

8. Ibid, p.152.

9. Floor, *A Fiscal History of Iran in the Safavids and Qajar periods 1500-1925*, p.236.

بنابراین، در ۱۱۵۰ق به ارزش‌زدایی از وجه رایج کشور اقدام کرد. در اصفهان در تاریخ ۱۶ ذوالقعدة ۱۱۵۰ق، در مسجد اصلی شهر، حکمی بدین محتوا قرائت شد: «از آنجا که پول به دلیل کیفیت، عیار و وزن بالای آن صادر می‌شود، شاه تصمیم گرفته است تا به جای عباسی‌های قبلی ۷ دانگ یا $1\frac{1}{6}$ (۵/۳۷ گرم)، عباسی‌های جدیدی با ۷ دانگ یا ۱ مثقال یا ۲۴ نخود (۴/۶ گرم) ضرب کند». ^۱ «لذا عباسی، که زمانی ۱۳۰ گندم - حدود ۴۸۰/۰ گرم - بود و تومان که در زمان شاه‌عباس ۳/۷ لیبره ارزش داشت، زمان نادرشاه عباسی ۷۲ گندم وزن داشت و ارزش تومان به ۱/۱۸ لیبره سقوط کرده بود و از سال ۱۲۱۴ق به بعد، ارزشش به حدود یک لیبره رسید». ^۲ نادرشاه همچنین، دستور ضرب سکه‌های شش‌شاهی ۹ دانگ یا ۱/۵ مثقال (۶/۹ گرم) را صادر کرد که می‌بایست معادل سکه‌های ۳ محمودی ارزش‌گذاری می‌شد. تعدادی از این سکه‌های شش‌شاهی سنگین‌تر در پایان ذی‌الحجه ۱۱۵۰ق ضرب شدند. عباسی‌های واقعی، دیگر ضرب نمی‌شدند و به جای آنها سکه‌های ۱، ۶ و ۲۰ شاهی ضرب می‌شدند. این حکم، در سرتاسر ایران منتشر شد. ^۳

نادرشاه در سال ۱۱۵۱ق، فرمانروای مغول، محمدشاه (۱۱۳۱-۱۱۶۰ق) را شکست داد و پایتخت او، دهلی را فتح کرد. در نتیجه این پیروزی، نادر غنیمت قابل‌توجهی را به ایران آورد. ^۴ ارزش کل تاراج هندوستان، از ۳۰ میلیون تا ۸۷ میلیون پوند تخمین زده می‌شود. ^۵ در این میان، نادرشاه که پس از فتح هندوستان از نظر مالی و نظامی احساس امنیت می‌کرد، کوشید تا نظام پولی ایران را با نظام پولی هندوستان ادغام کند و تجارت میان این دو سرزمین را با برتری ایران تسهیل نماید. ^۶ از این‌رو، طی حکمی در سال ۱۱۵۲ق دستور لغو سکه‌های عباسی، محمدی، شاهی، هزار دیناری و اشرفی صفوی در هند را صادر کرد و به جای آن، مقرر نمود که از نقره به شکل و وزن روپیه، و از طلا به دستور مهر هندی بزنند. ^۷ سکه طلای هندی که الگوی سکه نادر قرار گرفت، «مهر اشرفی» نامیده می‌شد که ۱۷۱ حبه (۱۱ گرم) وزن داشت. ^۸ نادرشاه همچنین، دستور داد تا واژه هندی کرور (۱۰ میلیون) و لک (۱۰۰۰۰۰ میلیون)، در اصطلاحات حسابداری استفاده شود. البته دبیران ایرانی از واژه «الف» (۱۰۰۰) به جای لک استفاده

1. Ibid, p.154-155.

۲. عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران، ص ۶۱۱ و ۶۱۴.

3. Matthee et al., *Monetary history of Iran from the Safavids to the Qajars*, p.145.

۴. استرآبادی، جهانگشای نادری، ص ۳۲۷.

۵. سایکس، تاریخ ایران، ج ۲، ص ۳۷۸.

6. Matthee et al., *Monetary history of Iran from the Safavids to the Qajars*, p.158-159.

۷. شعبانی، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، ج ۱، ص ۴۷۲.

۸. دیانت، فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، ج ۲، ص ۲۴۶.

کردند.^۱ او همچنین، ضرب ۱، ۶، ۱۰ و ۲۰ شاهی را ادامه داد. ۲۰ شاهی، دوروپیه نامیده می‌شد. وزن سکه ده شاهی، روپیه ایرانی یا نادری، ۱۱/۵۲ گرم بود. عباسی، دیگر صرفاً سکه نبود؛ بلکه یک واحد شمارش بود. هدف اصلاحات پولی هرچه بود، برای مردم ایران یا کسانی که با ایران تجارت می‌کردند، چندان اهمیتی نداشت. با وجود غنایم هنگفتی که نادرشاه از هندوستان آورده بود و سکه‌هایی که ضرب کرده بود، تجارت هنوز هم عمدتاً با مس انجام می‌شد. این واقعیت نشان می‌دهد پارامترهای اساسی وضعیت پولی ایران، هیچ تغییری نکرده بود.^۲

با توجه به عرضه جدید و زیاد شمش، انتظار می‌رفت مشکل کمبود پول در ایران، دست‌کم در کوتاه‌مدت حل شود؛ اما چنین نشد؛ زیرا با وجود ورود غنایم زیاد به ایران، بیشتر آن توسط نادرشاه و فرماندهانش احتکار شد.^۳ درضمن، یکی از دلایل، کاهش تدریجی پول در جریان این بود که نادر مالیات‌ها را نقد می‌خواست؛ برای مثال، وقتی نادر در سال ۱۱۵۹ق به اصفهان وارد شد، دستور داد تا همه خانه‌های اصفهان و حومه، از جمله جلفا را برای به‌دست آوردن پول جست‌وجو کنند.^۴ تداوم این خط‌مشی، سرانجام منجر به کشته‌شدن نادر در سال ۱۱۶۰ق شد. با قتل نادر، جنگ‌های داخلی برای کسب قدرت دوباره شروع شد و ایران ثبات سیاسی خود را از دست داد. در نامه اسقف امنونل کرملیتی، مورخ ۱۷۴۹/۱/۱۵م/۱۱۶۲ق، پیامدهای منفی این شرایط این‌گونه بیان شده است: «... خبرهای جدید از ایران، حاکی از آن است که وضع بدتر از قبل شده است و نواحی مختلف دچار قحطی و خشکسالی شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که یک تکه‌نان برای خوردن وجود ندارد...»^۵

۸. دوره زندیه (۱۱۷۳-۱۲۰۹ق)

با به قدرت رسیدن کریم‌خان زند در سال ۱۱۷۳ق، بیش از یک دهه جنگ داخلی خاتمه یافت و امنیت نسبی در شهرهای ایران برقرار شد. با وجود این، هنوز برخی از مناطق مانند: خراسان (بازماندگان افشاری)، قندهار (احمدشاه دُرّانی)، لار، کرمان، ایالت‌های قفقاز، شهرها و بنادر خلیج فارس تحت اداره و کنترل رؤسای محلی قرار داشت.^۶ در واقع، سال‌های ۱۱۳۵-۱۱۷۳ق برای شهرنشینان و روستائینان ایرانی به‌منزله دور باطل پیوسته و مکرری از اشغال نظامی، اجحاف و زورگویی بود. کریم‌خان ناچار بود که چهل سال به قحطی مصنوعی، مهاجرت و در کل، پریشانی اوضاع اقتصادی ایران خاتمه دهد.

1. Matthee et al., *Monetary history of Iran from the Safavids to the Qajars*, p.160.

2. Ibid.

3. Ibid.

4. *A Chronicle of the Carmelites in Persia*, 1: p.650.

5. Ibid, p.657.

6. Ibid, p.665.

اقدامات خان زند برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور، شامل موارد ذیل بود: ایجاد امنیت سیاسی و قضایی و برقرار کردن آرامش در کشور؛ انتقال پایتخت به جنوب؛ رواج مجدد تجارت؛ کشاورزی؛ احیای صنایع داخلی؛ تأسیسات حوزه شهری؛ به‌ویژه بازار؛ تعیین، تثبیت و نظارت بر نرخ اجناس؛ معافیت‌های مالیاتی؛ امنیت راه‌های تجاری و غیره.^۱ در این میان، سیستم پولی ایران به سبک و سیاق گذشته در جریان بود. خان زند و جانشینان او، پول‌های گذشته را ضرب کردند. در میان مسکوکات این دوره، عباسی ۴/۶ گرمی و روپیه ۱۱/۵ گرمی غالب بود. طبق نوشته‌های گملین در سال ۱۱۸۴ق/ ۱۷۷۰م، سکه‌های ایرانی بخشی طلا، نقره و مس قدیم و جدید بود یا به یک نام خوانده می‌شد؛ اما ارزش‌های متفاوتی داشت. تومان، بیستی و دینار، واحدهای شمارش بود؛ بیستی، هم برای نقره و هم برای مس به‌کار می‌رفت. این نظام تا زمان معرفی ریال در سال ۱۲۰۴ق/ ۱۷۹۰م در دوره قاجار تداوم داشت.^۲

با اینکه کریم‌خان بعد از ۱۱۷۷ق در بیشتر ایران قدرت نسبی داشت، بخش‌های بزرگی از کشور، مستقل یا نیمه‌خودمختار بودند. بنابراین، اتحادی در نظام پولی کشور وجود نداشت. این امر، تا اندازه‌ای درباره خراسان و همچنین برای نواحی قزوین و قفقاز صدق می‌کرد. بسیاری از این خانات، به‌ویژه گنجه، شماخی، شکی، دربند، قره‌باغ و گرجستان، سکه‌های خود را نخست به نام نادرشاه و بعدها به نام کریم‌خان ضرب می‌کردند. هر خان، سکه‌های مخصوص به خود را ضرب می‌کرد که در نواحی دیگر، کم‌ارزش یا بی‌ارزش بود؛ مثلاً مسکوکات طلایی‌ای که در گیلان در گردش بود، مانند دوروبلی،^۳ صد کوپک و نیم روبل ارزش داشت؛ اما در مازندران و زنجان فقط معادل ۲ یا ۱۸۰ کوپک بود. سکه مازندران، در گیلان معتبر نبود. در تبریز هیچ‌یک از این سکه‌ها اعتبار نداشت و در یک کلام به محض اینکه شخص از ملک یک خان به ملک خان دیگر می‌رفت، پول خود را از دست می‌داد.^۴ در جدول ذیل، وزن و ارزش سکه‌های استفاده‌شده در ایران ۱۱۸۳/۱۷۷۰ق آورده شده است.

جدول ۳- وزن و ارزش سکه‌های استفاده‌شده در ایران ۱۱۸۳ق/ ۱۷۷۰م^۵

ردیف	عنوان سکه	معادل	ارزش	وزن سکه‌های بررسی‌شده
	طلا			
۱	مهر اشرفی که معمولاً معادل ۶۰۰۰ دینار بود در روسیه یک‌صد حساب می‌شد.	۶۰۰۰ دینار	۶ روبل، الآن ۱۰ روبل و ۱۱ کوپک	۱۱،۰۰ گرم

۱. آوری و دیگران، تاریخ ایران، ج ۷، ص ۱۳۱-۱۳۶.

2. Matthee et al., *Monetary history of Iran from the Safavids to the Qajars*, p. 168&170.

۳. واحد پول روسیه.

4. Ibid, p.170.

5. Ibid, p.171.

ردیف	عنوان سکه	معادل	ارزش	وزن سکه‌های بررسی شده
طلا				
۲	اشرفی یا یک دوکات قدیمی نادرشاه	-	۱۸۰ کوپک، آلن ۲ روبل و ۵۰ کوپک	۳,۵۵ گرم
۳	اشرفی شاه صفی	-	معمولاً ۲۱۰؛ آلن ۳۱۴ کوپک	
۴	اشرفی شاه سلیمان	-	معمولاً ۲۱۰؛ آلن ۳۱۴ کوپک	
۵	اشرفی شاه سلطان حسین	-		
نقره				
۶	یک تومان، واحد شمارش	۱۰ هزار دینار	۱۰ روبل	
۷	۶ شاهی یا ششصد دینار	۳۰۰ دینار	۳۰؛ آلن $37\frac{1}{2}$ کوپک	۶,۹۱ گرم
۸	عباسی	۲۰۰ دینار	۲۰؛ آلن ۲۵	۵,۳۷ گرم
۹	۱۰۰ دینار	۱۰۰ دینار	۱۰؛ آلن ۱۲ و یک دوم	۲,۶۸ گرم
۱۰	شاهی	۵۰ دینار	۵؛ آلن ۶ و یک دوم کوپک	۱,۳۴ گرم ۱,۱۵ گرم
۱۱	بیستی	۲۰ دینار	۲ کوپک	-
۱۲	غازیگی	۵ دینار	$\frac{1}{2}$ کوپک	-

در این دوره، پول‌های خارجی چون گذشته در ایران رواج داشت. افزون بر این، در منطقه خلیج فارس، پرداخت هزینه برای کالاهای وارد شده فقط به چند وجه رایج محدود می‌شد. وجوه رایج اصلی، عبارت بود از: روپیه طلای هندی، روپیه نقره ایرانی و نقره نادری. در سال ۱۱۶۸ق/۱۷۵۵م مسکوکات طلای ونیزی در خلیج رایج شد. مس قدیم، همچنان شکل مهمی از پرداخت برای کالاهای وارداتی بود؛ اما مشخص نیست که واک و ایک،^۱ چه مقدار مس از خلیج فارس صادر کرده است.^۲ اگرچه کریم‌خان بر بیشتر بخش‌های ایران مسلط شده بود، اما او بر کشوری به‌شدت فقیر حکومت می‌کرد. در نامه کرنولیوس جوزف،^۳ اسقف جدید اصفهان، مورخ ۱۷۶۳/۷/۱۵م/۱۱۷۶ق، شرایط مزبور را این‌گونه توصیف کرده است: «ایران و به‌ویژه اصفهان و دیگر ایالات تابع کریم‌خان، هم‌اکنون آرام است... اما کشور خالی از مردان و پول است. هیچ‌کدام از کاتولیک‌هایی که رفته‌اند، نشانه‌هایی دال بر بازگشتشان نیست؛ زیرا ناآرامی‌ها و آشوب‌های جدیدی را بعد از مرگ کریم‌خان پیش‌بینی می‌کنند...».^۴ در ۱۱۸۴ق/۱۷۷۰م، گل‌مین در توصیف وضعیت قزوین و استان‌های دریای خزر می‌گوید: «ایرانیان به دلیل

1. Verenigde Oostindische Company and The British East India Company.

کمپانی هند شرقی هلند و کمپانی هند شرقی انگلیس.

۲. فلور، هلندیان در جزیره خارک (خلیج فارس) در عصر کریم‌خان زند، ص ۱۸۳.

3. Cornelius Joseph.

4. A chronicle of the Carmelites in Persia, 1: p.663.

ظلم و ستم نادرشاه و البته بیشتر از آن به سبب شورش‌های متعاقب مرگ او و همچنین به دلیل جنگ‌های داخلی، ثروت خود را از دست داده و فقیر شده‌اند.

مشاهدات وی نشان می‌دهد که صادرات کالاهای ایرانی کاهش یافته بود. مثل گذشته، کالاهای قابل صادرات ایرانی، به استثنای ابریشم، محدود بود. برای واردات، محدودیت شدیدی وجود داشت. ارزان‌تر بودن نقره در امپراتوری عثمانی، موجب می‌شد واردات نقره به ایران پُر سود باشد؛ اما در مقابل، ایران صادرات مازادی برای جبران آن نداشت. کریم‌خان نیز مانند حکام پیشین وسوسه می‌شد تا ارزش یا وزن مسکوکات را پایین آورد.^۱ کریم‌خان‌زند که در ۱۱۷۶ق با کساد ساختارمند عرضه پول و کاهش گسترده رتبه مسکوکات مواجه بود، ابتدا کوشید تا این وضعیت را با کسب موافقت بریتانیا برای ممنوع ساختن داوطلبانه صادرات سکه آرام کند. در این توافق که پیش‌نویس آن در ذی‌الحجه ۱۱۷۶ق/جولای ۱۷۶۳م نوشته شد، بریتانیا متعهد شد «کل مبلغ فروش خود را به صورت نقد از ایران خارج نکند؛ چراکه این کار موجب فقر مملکت و در نهایت، موجب تحت سلطه درآوردن کل تجارت می‌شد.» این امر، بدان معنا بود که بخشی از تجارت با بریتانیا، باید به صورت کالابه‌کالا صورت می‌گرفت. احتمالاً وقایع هندوستان نیز وضعیت پولی ایران را متأثر کرده بود. در سال ۱۱۷۸ق/۱۷۶۵م، ایک کنترل درآمدهای بنگال را به‌دست گرفت و نسبت طلا - نقره را از ۱:۱۴ به ۱۶/۴ تغییر داد و در نتیجه، ارزش نقره را در هندوستان دچار نوسان کرد. این واقعه، ممکن است در تأثیر ناچیز محدودیت داوطلبانه بر صادرات مسکوکات از ایران، نقش داشته باشد. کریم‌خان در ۱۱۷۹ق/۱۷۶۶م برای توقف جریان مداوم خروجی مسکوکات و کاهش کسری حساب جاری، کوشید تا مانع صادرات سکه شود. او همچنین، حکم کرد از این تاریخ به بعد، تمام معاملات باید به صورت کالابه‌کالا انجام شود و هیچ وجه نقدی برای کالاهای خارجی پرداخت نشود. طبیعتاً این حکم، پس از زمان کوتاهی تضعیف شد؛ زیرا کریم‌خان نیز مانند پیشینیان خود دریافته بود که این گونه مقررات را به‌سادگی، غیر مستقیم یا حتی مستقیم، با ارتشا به مقامات می‌توان دور زد. باین‌حال، شرایط بازار به گونه‌ای بود که پرداخت‌های نقدی، به هر صورت انجام نمی‌شد.^۲

روشن است که عدم تعادل تراز تجاری علیه ایران صرفاً می‌توانست با توسعه تجارت صادرات یا کاهش واردات برطرف شود. از آنجاکه این امر در آن مدت کوتاه امکان‌پذیر نبود، باید راه دیگری برای حلّ این مسئله پیش گرفته می‌شد که عبارت بود از تصحیح وزن یا نسبت آلیاژی سکه‌ها؛ به‌طوری‌که برای صادرات، جذابیت چندانی نداشته باشد. به همین سبب، دولت پول‌های نقره و مس قدیمی را جمع‌آوری نمود و پول جدیدی با وزن یا آلیاژ پایین‌تر ضرب کرد. کریم‌خان که تحت فشار بود، در

1. Matthee et al., *Monetary history of Iran from the Safavids to the Qajars*, p. 173&174.

2. Ibid, p. 174&175.

۱۱۸۱ق/۱۷۶۷-۱۷۶۸م پول را به این روش ارزش‌زدایی کرد. در مقابل، او تومان را که واحد شمارش بود، به ارزش سکه‌های موجود افزود. استاندارد ضرب سکه که تا آن زمان ۱۲۰۰ نخود بود، به ۹۶۰ نخود کاهش یافت. این کار، بدین معنا بود که روپیه قدیمی، ارزشی معادل ۱۲/۵ شاهی داشت. این معیار می‌توانست تأثیر مثبت و کوتاه‌مدت داشته باشد؛ اما عملاً کمکی به بهبود موقعیت اقتصادی ایران در برابر شرکای تجاری خود نمی‌کرد؛ حتی در سال ۱۱۹۰ق/۱۷۷۶م سکه‌های ایرانی باز هم ارزش‌زدایی شد و این بار، به ۸۰۰ نخود رسید که ارزش روپیه را به ۱۵ شاهی افزایش می‌داد.^۱ شرایط متزلزل اقتصاد ایران در حکومت جانشینان کریم‌خان نیز بهتر نشد. با مرگ پادشاه در سال ۱۱۹۳ق/۱۷۷۹م، ستیزه‌های خونینی برای به چنگ گرفتن قدرت میان زندیان از یک‌سو و قاجاریان از سویی دیگر آغاز شد که سرانجام در ۱۲۱۰ق/۱۷۹۵م به پیروزی نهایی قاجار منتهی گردید. در طول مدت، پایه‌های تولید و صنعت و کشاورزی و بازرگانی ایران آسیب فراوان دید^۲ و از ارزش پول ایران کاسته شد و در پی آن، قدرت خرید مردم نیز کمتر گردید و اقلام مصرفی و نیازمندی‌های روزانه مردم گران‌تر شد. روشن است که جنگ‌های مستمر این دوره، در کاهش توان رزمی و ضعف بنیه اقتصادی و پولی ایران مؤثر بود.^۳

۹. نتیجه‌گیری

بررسی‌های تاریخی قرن دوازدهم قمری، نشان می‌دهد مجموعه‌ای از عوامل: سیاسی، طبیعی و خارجی در کاهش ارزش پول ایران نقش داشته‌اند. در این دوره، عدم امنیت و بی‌ثباتی سیاسی، ناامنی راه‌ها، قتل و غارت، قحطی‌ها و بیماری‌های همه‌گیر، به رکود تجارت و نابودی کشاورزی منجر شد؛ به گونه‌ای که مزارع ویران و قنات‌ها خشک شد و مراکز مهم اقتصادی نابود گردید. این امر به تبع، بر ارزش پولی ایران به عنوان قلب اقتصاد کشور، تأثیر منفی گذاشت. بر اساس مطالعه انجام‌شده، مهم‌ترین علل کاهش ارزش پولی ایران در این قرن، با تأکید بر نقش عوامل سیاسی، عبارت است از:

۱. **ضعیف شدن بنیه اقتصادی کشور در پی بروز جنگ‌های داخلی و خارجی:** این بی‌ثباتی سیاسی، در مدت کوتاهی اوضاع سیاسی ایران را به گونه‌ای کرد که می‌توان مشخصه مهم آن را گسترش بی‌ثباتی، هرج‌ومرج و استقرار نظام ملوک‌الطوایفی در سراسر کشور دانست. این امر، به تخریب زیرساخت‌های تولیدی کشور، اعم از کشاورزی و بازرگانی منجر شد و اقتصاد ایران را از شاخصه‌های لازم، برای رشد و توسعه پایدار، محروم کرد. پیامد این امر، هرج‌ومرج نظام پولی و کاهش ارزش آن در قرن مزبور بود.
۲. **تنزل عیار مسکوکات:** بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که یکی از معضلات اصلی این دوره،

1. Ibid, p.175.

۲. پیگولوسکایا و دیگران، *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم*، ص ۶۱۷.

۳. پورشافعی، *اقتصاد کرجه*، ص ۷۲ و ۷۷.

کمبود فلز پول متأثر از عوامل داخلی و خارجی است. دولت به دلیل کمبود پول نقد و احتیاج به آن برای تأمین هزینه‌ها، مجبور شد از عیار و وزن مسکوکات بکاهد تا بتواند سکه‌های بیشتری ضرب کند. در نتیجه، پول‌های خوب احتکار گردید و یا از کشور خارج شد و مسکوکات کم‌ارزش با عیار پایین، جای آنها را گرفت. تنزل عیار که نشان‌دهنده کاهش ارزش پول در این دوره بود، باعث افزایش قیمت‌ها و تورم فراگیر شد. از این‌رو، برای تعیین ارزش داخلی پول، باید سطح عمومی قیمت‌ها را در نظر گرفت؛ زیرا ارزش پول با سطح عمومی قیمت‌ها، ارتباط معکوس دارد. همچنین، به دلیل پایین بودن عیار مسکوکات، سکه‌های بیشتری ضرب شد که این کار نیز افزایش هرچه بیشتر قیمت‌ها و کاهش بیشتر ارزش پول را به دنبال داشت و در عمل، به انحطاط اقتصادی کشور انجامید.

منابع

- آقاجری، سید هاشم و زهرا قشقایی نژاد، ۱۳۹۲، «کاهش ارزش پول در اقتصاد عصر صفوی و عوامل مؤثر بر آن»، *تاریخ اسلام و ایران*، ۲۳ (۱۸).
- آوری، پتر، گاوین همیلی و چارلز ملویل، ۱۳۸۴، *تاریخ ایران (از مجموعه تاریخ کمبریج)*؛ دوره افشار، زند و قاجار، ترجمه: مرتضی ثاقبفر، ج ۷، تهران، جام.
- استرآبادی، میرزا مهدی خان، ۱۳۷۷، *جهانگشای نادری*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بی‌نام، اردیبهشت ۱۳۷۹، «پول (بخش پنجم): پول ایران در دوره صفویه و افشاریه»، *بانک و اقتصاد*، شماره ۸.
- بی‌نام، شهریور ۱۳۷۹، «پول: انواع اسکناس (۸)»، *بانک و اقتصاد*، شماره ۱۱.
- بیضانی، ابراهیم، ۱۳۷۳، *اقتصاد پول*، تهران، دانشگاه هوایی، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- بهم‌پور، حمید و مشیری، سعید، ۱۳۹۲، *اقتصاد پول و بانکداری*، چاپ دوم، تهران، نی.
- پیگولوسکیا، یناویکتور و دیگران، ۱۳۴۹، *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم*، ترجمه: کریم کشاورز، تهران، دانشگاه تهران.
- پورشافی، مجید، ۱۳۸۴، *اقتصاد کوچک: گزارش پول ملی ایران؛ هزینه‌های زندگی و دستمزدها در دو سده گذشته (۱۱۵۷-۱۳۵۷ خ)*، تهران، گام نو.
- تاورنیه، ژان باتیست، ۱۳۶۳، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه: ابوتراب نوری، با تجدید نظر: حمید شیرانی، چاپ سوم، تهران، کتابخانه سنائی، کتابفروشی تأیید.
- خوشنویس، سهیلا، ۱۳۷۸، «سیاست یکسان‌سازی ارز و اثرات آن در اقتصاد ایران»، *تازه‌های اقتصاد*، شماره ۸۲.
- دوسرسو، ۱۳۶۴، *سقوط سلطان حسین*، ترجمه: ولی‌الله شادان، تهران، کتاب‌سرا.
- دیانت، ابوالحسن، ۱۳۶۷، *فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها*، جلد اول و دوم، تبریز، نیما.
- ریاض الاسلام، ۱۳۷۳، *تاریخ روابط ایران و هند (در دوره افشاریه و زندیه)*، ترجمه: محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری‌فرد، تهران، امیرکبیر.
- رضاقلی، علی، ۱۳۸۴، *جامعه‌شناسی خودکامگی: تحلیل جامعه‌شناختی ضحاک ماردوش*، تهران، نی.
- زندلی حقیقی، منوچهر، ۱۳۴۵، *پول و بانک*، تهران، دانشگاه تهران.
- سجادی، ژیلا، ۱۳۸۳، «نگرشی جغرافیایی بر فعالیت‌های مرکانتالیستی انگلستان و رکود تدریجی اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۱۵۴-۱۸۱۰م/۱۲۵۰-۱۲۲۵ق»، *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی: اقتصاد ایران*، تهران، بنیاد ایران‌شناسی.
- سرپرسی، سایکس، ۱۳۸۰، *تاریخ ایران*، ترجمه: سید محمدتقی فخرداعی گیلانی، جلد ۲، چاپ هفتم، تهران، فسون.
- سیف، احمد، ۱۳۷۳، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران، چشمه.
- سلطانیان، ابوطالب، ۱۳۸۸، «روابط بازرگانی ایران و هند در دوره صفویه»، *تاریخ روابط خارجی*، شماره ۴۰.
- شاردن، ۱۳۷۲، *سفرنامه شاردن*، جلد سوم، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران، توس.
- شاهزاده میرزا، ۱۳۵۱، *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، با مقدمه و شرح و تعلیقات: محمد مشیری، بی‌جا، اقبال.
- شعبانی، رضا، ۱۳۵۹، *تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه*، جلد اول، تهران، بی‌جا.

شعبانی، رضا و محمدی، حسین، ۱۳۸۷ «تأثیر حمله محمود افغان بر اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران»، مسکویه، دوره ۳، شماره ۹.

شوستر والسر، سیبیل، ۱۳۶۴، *ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان*، ترجمه و حواشی: غلامرضا ورهرام، تهران، امیرکبیر.

فلور، ویلیام، ۱۳۷۱، *هلندیان در جزیره خارک (خلیج فارس) در عصر کریمخان زند*، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران، توس.

فرانکلین، ویلیام، ۱۳۵۸، *مشاهدات سفر از بنگال به ایران*، ترجمه: محسن جاویدان، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
فرحبخش، هوشنگ، ۱۳۵۴، راهنمای سکه‌های ضربی (چکشی) ایران از سال ۹۰۰ تا ۱۲۹۶ هجری قمری (۱۵۰۰ تا ۱۸۷۹ میلادی) شامل دوره‌های: صفویه، افغان‌ها، افشاریه، زندیه، قاجاریه، تهران، نوین فرحبخش و پسران.
فوران، جان، ۱۳۷۷، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۱۷۹۹ شمسی تا انقلاب*، ترجمه: احمد تدین، تهران، رسا.

فرجی، یوسف، ۱۳۷۷، *پول، ارز و بانکداری*، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
قائم مقامی، عبدالوهاب، ۱۳۴۰، «تاریخ پیدایش پول در ایران (۴)»، *ارمغان*، ۳۰ (۹).
قبادی، فرخ و رئیس‌دانا، فریبرز، ۱۳۶۸، *پول و تورم*، تهران، پایپروس - پینشبرد.
عیسوی، چارلز، ۱۳۶۹، *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار: ۱۲۱۵-۱۳۳۲ ق)*، ترجمه: یعقوب آژند، چاپ دوم، تهران، گستره.

کتابی، احمد، ۱۳۷۱، *تورم: ماهیت، علل، آثار و راه‌های مقابله با آن*، تهران، اقبال.
گاتوخی‌گوس، آبراهام، ۱۳۴۷، *منتخباتی از یادداشت‌های آبراهام گاتوخی‌گوس خلیفه ارمنه: در مراسم انتخاب و تاجگذاری نادرشاه در دشت مغان با متن چند فرمان از نادر و یادداشت‌هایی درباره او*، ترجمه: عبدالحسین سپینتا و استیفان هانانیان، تهران، وحید.

گیلاتنز، پطرس دی سرکسی، ۱۳۷۱، *سقوط اصفهان (گزارش‌های گیلان‌نیز دربار حمله افغانان و سقوط اصفهان)*، ترجمه از ارمنی به انگلیسی: کارو میناسیان، با مقدمه و تعلیقات: لارنس لاکهارت، ترجمه از انگلیسی به فارسی: محمد مهریار، چاپ دوم، اصفهان، گل‌ها.

گاردل، هانری، ۱۳۲۹، *پول و مبادله*، ترجمه: مسعود قراگزلو، تهران، کتاب‌فروشی و چاپخانه علمی.
لمبتون، ا. ک. س.، ۱۳۷۷، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه: منوچهر امیری، تهران، علمی - فرهنگی.
مستوفی، محمد محسن، ۱۳۷۵، *زبده التواریخ*، به کوشش: بهروز گودرزی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
متی، رودی، ۱۳۹۳، *ایران در بحران: زوال صفویه و سقوط اصفهان*، ترجمه: حسن افشار، تهران، مرکز.
متی، رودی، ۱۳۸۲، «تجارت طلا در اواخر عصر صفوی بین ونیز و سورات»، ترجمه: حسن زندیه، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۶۸-۶۹.

متی، رودی، ۱۳۸۵، «تاریخ اقتصادی: ادغام ضربخانه‌ها و افول کیفی مسکوکات اواخر دوره صفویه»، ترجمه: حسن زندیه، بررسی‌های نوین تاریخی، شماره ۲.

متی، رودلف، ۱۳۸۷، *اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی (چهار مطالعه موردی)*، ترجمه: حسن زندیه، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مدنی، علی اکبر، ۱۳۴۵، *پول برای همه*، تهران، بانک پارس.
مینورسکی، ۱۳۳۴، *سازمان اداری حکومت صفوی با تعلیقات مینورسکی بر تذکرة الملوك*، ترجمه: مسعود رجب‌نیا،
با حواشی و مقدمه: محمد دبیرسیاقی، تهران، زوار.
میرجعفری، حسین؛ دهقان‌نژاد، مرتضی و طهماسبی، ساسان، ۱۳۸۵، «پیامدهای سیاست خاصه‌سازی در دوره
صفویه»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، شماره ۴۴-۴۵.

A chronicle of the Carmelites in Persia: the Safavids and the Papal Mission of the 17th and 18th centuries, 2 vol, published by: New York, 2012.

Floor, Willem, 1999, *A Fiscal History of Iran in the Safavids and Qajar periods 1500-1925*, published by Bibliotheca Persia Press New York.

Foran, John, May 1992, *The Long Fall of the Safavid Dynasty: Moving beyond the Standard Views*, International Journal of Middle East Studies, Vol. 24, No. 2. pp. 281&304, published by Cambridge University Press.

Rudi Matthee, Willem Floor, Patrick Clawson, 2013, *Monetary history of Iran from the Safavids to the Qajars*, published by L.B. Tauris.